

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۸ جنوری ۲۰۲۴



یونس نگاه

تجربه آموزنده شوراها در جاغوری



یک) رسامدیا، گزارش کوتاهی از یکسال آبادی در جاغوری نشر کرده است. لینک آن گزارش را در کمنت می‌گذارم. تماشای آن برای سیاستمداران و علاقه‌مندان سیاست و دولت‌داری افغانستان مفید است. پیش از آن این یادداشت مرا که با جزئیات تحول جاغوری آشنائی نسبی دارم، بخوانید. در این ولسوالی نظام متفاوت زندگی در حال شکل‌گیری است که در آینده می‌توان آن را با تعدیلاتی در سراسر افغانستان تکثیر کرد.

دو) در جاغوری، کنار ادارات محلی جمهوری اسلامی سابق و امارت کنونی طالبان، یک نظام شورائی غیررسمی و خودجوش از سوی مردم تشکیل شده است که بسیار کم‌هزینه، بیشتر استوار بر فعالیت‌های داوطلبانه و دمکراتیک کار می‌کند. این شوراها در لایه‌های مختلف قریه، چندین قریه، چند منطقه همجوار و سراسر ولسوالی و گاه فراتر از ولسوالی شکل گرفته است. شوراها رابطه افقی دارند و هیچ رابطه بالا به پائین بین آن‌ها نیست.

گاهی حتی شورا به معنای نهاد سازمانی وجود ندارد و مردم هنگام ضرورت بدون آن که نماینده انتخاب کنند گردهم آمده تصمیم به کاری می‌گیرند. این شوراها وجود تشکیلاتی و بیرونی پرهزینه و بیروکراتیک ندارند و از این رو شکننده و ضربه‌پذیر هم نیستند. در این شوراها چیزی نیست که اداره مرکزی، دولت، جامعه جهانی یا نهاد دیگری آن را رسمیت ببخشد، و یا منع و تحریم کند. ویران‌کردنش هم آسان نیست. مثل فرهنگ و ارزش‌های محلی مردم در آغوش باشندگان شکل گرفته و آنجا دوام می‌آورد.

سه) این فعالیت‌های سازنده که من اینجا کارهای شورائی خوانده‌ام از بیرون کشور نیز حمایت می‌شوند. ولی حمایت‌ها رسمی، دولتی، مذهبی و سازمانی نیست بلکه مردمی، خودجوش و توده‌ئی است. نکته مهم این است که در پروژه‌های جاغوری اگرچه سهم اصلی را ساکنان آن منطقه از داخل و خارج کشور می‌گیرند، ولی ظرفیت جذب همکاری مالی و حمایت‌های معنوی از سراسر افغانستان و از میان غیرافغان‌ها به وجود آمده است. مواردی هست که یک هموطن پنجشیری، قندهاری، بامیانی، هراتی و بدخشی نیز به پروژه‌های پول داده و سهم گرفته است. گاه غیرافغان‌ها نیز از طریق مسافران در کشورهای خارج هرچند ناچیز کمک می‌کنند.

چهار) این پروژه‌ها به دلیل سلسله‌مراتب و رسمیات حداقلی، بسیار کم‌هزینه و مؤثر اجراء می‌شوند. مصارف اداری، مدیریتی و رشوه و شیرینی ناچیز و درموردی شاید هیچ است. از این رو گاه با چند میلیون افغانی کار کلانی انجام می‌شود که در نظام رسمی و انجوائی عملی نیست.

پنج) مردم جاغوری برای رسیدن به این‌جا قبلاً کارهایی کرده‌اند. این‌طوری نیست که چندسال پیش چند جوان یا آدم خیراندیش نشسته و شورائی ساخته و دیگران از پی آنان آمده باشند. تا رسیدن به اینجا یخن‌کشک، مبارزه، جنگ و حتی خون‌ریزی هم شده است. زمانی نیروهای فعال در جاغوری برای آن‌که مشخص سازند مسیر مکتب و تعلیم درست است یا مدرسه و ملانی و یا ترکیبی از هر دو، زندگی روستائی و تأکید بر ارزش‌های سنتی درست است یا پذیرش ارزش‌های مدنی و عبور از سنت‌های بسته قومی و فیودالی، باهم دعوا داشتند و سنگر می‌گرفتند و متأسفانه تن‌های بسیار را قربانی کردند.

گام‌های اول این مسیر با مکتب گذاشته شد. جاغوری نزدیک به نیم قرن رشد نسبتاً پایدار تعلیم را تجربه کرده است. تعلیم تقریباً بی‌وقفه و حتی در سال‌های جنگ و جهاد جدی گرفته شد و رشد کرد. در دهه هفتاد که کابل و بسیار جاهای دیگر در تعلیم متوقف شده بودند، جاغوری سیر صعودی می‌پیمود، ساختمان‌های تازه مکتب اعمار می‌گردید و قریه‌های بیشتر وارد نظام معارف می‌شد. زمانی که امارت اول طالبان سقوط کرد، مردم جاغوری مثل شاگردی که کار خانگی‌اش را خوب انجام داده باشد یا ورزشکاری که خوب تمرین کرده باشد، آماده رقابت در سطح ملی بود. از این رو تعداد محصلان جاغوری در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی به‌طور بی‌پیشینه افزایش یافت و جاغوری‌ها از فرصت تحصیلی و تعلیمی و مزیت‌های وابسته به آن از جمله فرصت‌های شغلی بهره گرفتند.

شش) بخش بزرگ مردم جاغوری در این نیم قرن هجرت موقتی یا کاری به ایران و پاکستان (بیشتر به کوئته) داشته‌اند. شاید هشتاد درصد مردان جاغوری در دهه سیزدهصد و شصت و هفتاد هجری شمسی به کوئته و ایران سفر کرده بودند. اقلیت کوچکی از آنان برای درس عصری و ملانی و بیشترشان برای کارگری می‌رفتند. آنان معمولاً با خود آثار و فرهنگ دنیای شهری را به جاغوری می‌آوردند. برخی خانواده‌ها مدتی به پاکستان یا ایران رفته و دوباره برگشته‌اند. آن بخشی از شهر کوئته که مردم جاغوری در رفت و آمد بودند بسیار پر جنب و جوش و از نظر تعلیمی و فرهنگی در حال تحول بود. جوانانی که در ایران درس ملانی می‌خواندند در مقایسه با محیط سنتی افغانستان از نظر فرهنگی آدم‌های مترقی بار می‌آمدند و با خود کتاب و باورهای تازه می‌آوردند. بخشی از ملاحی جاغوری در شکل‌گیری تحول

کنونی نقش مثبت بازی کردند. غیر از محیط حوزه ئی ایران که خشکه مقدس است، جامعه ایران، بازار ایران و وضعیت خاص مهاجران افغان در ایران در شکل‌گیری ذهنیت ملاهای جاغوری برگشته از ایران نقش داشته است. گروه قابل توجهی از جوانان مدت کوتاه در حوزه‌های تعلیمی مذهبی می‌ماندند و پس از آن وارد بازار کار و تعلیم عصری ایران می‌شدند و چندان ملا نمی‌ماندند. از این نیمه‌ملاها در جاغوری بسیارند که خوش‌بختانه در برداشتن جامعه از عقب‌ماندگی روستائی نقش مهم بازی کرده‌اند. ولی بار اصلی این تحول را تحصیل‌کردگان و معلمانی که در نصاب تعلیمی وطنی تربیت شده بودند و از فرهنگ دههٔ چهل کابل متأثر بودند، به‌دوش کشیده‌اند. ده‌ها انجینر، داکتر، معلم و مأمور در سراسر این ولسوالی در این سال‌ها مشغول کار و پیکار بوده‌اند.

در بیست سال گذشته نقش ونداران غرب‌نشین و مسافران به تدریج سنگین‌تر شده است و اکنون آن‌ها به‌خصوص از نظر مالی حامی اصلی این حرکت‌اند.

هفت) تغییر فرهنگی ناشی از این تحول قدرت اصلی جاغوری است. دسته‌بندی‌های طبقاتی دوران گذشته و فیودالی بسیار کمرنگ شده است. در جاغوری خان و ملا و قریه‌دار و سید و زوار دیگر مثل گذشته نقش رهبری انحصاری ندارند. البته نهادهای سنتی همچنان فعالند و سید و ملا و خان و قریه‌دار و متنفذ هیچ‌کدام بی‌نقش نیست. مسأله برسر انحصار است. انحصار شکسته است و اکنون مکتب، معلم، داکتر، انجینر، ملا، مسجد، مدرسه، هموطن غرب‌نشین، تاجر و متنفذ محل، زن و مرد همه به‌طور نسبی در سمت‌دهی جامعه و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی نقش دارند. کم‌رنگی ارزش‌های دست‌وپاگیر سنتی و خانوادگی که در اثر عوامل بالا به‌دست آمده، اکنون سرمایه اصلی مردم جاغوری است. این تحول فرهنگی به جاغوری هویت تازه بخشیده است، طوری که نیروها و بازیگران بیرونی از جمله نمایندگان اداره سیاسی مرکزی می‌کوشند به آن احترام بگذارند یا حداقل در مواجهه با آن ارزش‌های پذیرفته‌شده از سوی اکثریت ساکنان جاغوری احتیاط کنند. از همین‌رو شاید در ولسوالی جاغوری حالا نیز زنان گاهی در عمل یا به‌طور نمادین در صدر می‌نشینند، مهمان ویژه محفل می‌شوند و نوار افتتاح پروژه تازه را قطع می‌کنند.

افغانستان باید همین‌طور توتوتوته و از پائین تغییر کند. هم‌زمان به تلاش جمعی برای تحول کلان سیاسی و ملی، باید همه ما در محلات تخم تغییر را بیاشیم و شوراهای مردمی را در مقابل ادارات متمرکز و مستبد محلی چون بدیل علم کنیم.

حکومت غیرمتمرکز بدون نقش شورائی مردم ممکن نیست. شوراها نیز اگر با فرهنگ مدنی مجهز نشوند و با سنت‌های فیودالی تشکیل و اداره گردند به‌جای کمک، مشکل خلق خواهند کرد. جرگه‌های سنتی نمونه آشنای شوراها غیردموکراتیک و غیرمدنی است.

هشت) اداره بدیل شورائی از نوعی که در جاغوری جریان دارد می‌تواند الگویی شود برای تشکیل ادارات محلی دموکراتیک و مدنی در آینده. این شوراها چون پادزهر استبداد و انحصار عمل می‌کنند و اگر تکثیر و سراسری شوند ریشه‌های استبداد و انحصار آسیب خواهد دید و جامعه ما برای شکل‌دهی دموکراسی استوار بر تنوع و ویژگی‌های محلی ساکنان افغانستان آماده خواهد شد.

لینک مورد نظر:

[YouTube - نتایج یکسال کار و تلاش مردم جاغوری را و درین گزارش ببینده باشید](#)